



پیامبرانی که از میان امت خود غائب شده اند/ غیبت پدیدۀ جدیدی نیست

غیبت در مورد انبیای الهی گذشته نیز رخ داده است و مسئله جدید و مختص دنیای اسلام نیست.

غیبت در مورد انبیای الهی گذشته نیز رخ داده است و مسئله جدید و مختص دنیای اسلام نیست.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه بیست و هفتم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

در جلسه قبل در این مورد صحبت کردیم که غیبت در امم سالفه نیز وجود داشته است.

در کتاب کمال الدین از پیامبر نقل شده است: «إِنَّ دَا الْقَرَّتَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ قَدَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ وَ أَمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْيَةٍ فَقَابَ عَنْهُمْ زَمَانًا حَتَّى قِيلَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ يَأَى وَادٍ سَلَكَ ثُمَّ ظَهَرَ وَ رَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْيَةٍ الْآخَرِ وَ فِيكُمْ مَنْ هُوَ عَلَى سُنَّتِهِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مَكَّنَ لِذِي الْقَرَّتَيْنِ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ لَهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَ بَلَغَ الْمَغْرِبَ وَ الْمَشْرِقَ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْزِي سُنَّتَهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وَلَدِي قَبِيلِغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهَا [مَنْهَلٌ] وَ لَا مَوْضِعًا [مَوْضِعٌ] مِنْ سَهْلٍ وَ لَا حَبَلٍ وَ طَيْئَهُ ذُو الْقَرَّتَيْنِ إِلَّا وَ طَيْئَهُ وَ يَظْهَرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ مَعَادِنُهَا وَ يَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ قَيْمُلُ الْأَرْضِ يَهْ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا».

یعنی همانا ذوالقرنین بنده صالحی بود که خداوند عز و جل او را حجتی بر بندگان قرار داد، پس قوم خود را به خداوند دعوت، و آنان را به تقوا امر کرد، اما بر سرش ضربه زدند و مدتی از آنان غایب شد تا حدی که گفتند مُرد، هلاک شد، در فلان وادی گم شد؛ سپس ظهور کرد و نزد قومش برگشت، پس این بار بر قسمت دیگر سرش ضربه زدند؛ و در میان شما کسی هست که بر سنت اوست؛

و همانا خداوند متعال برای ذوالقرنین در زمین مکنّت بخشید و برایش از هر چیزی سببی قرار داد و به مشرق و مغرب رساند؛ و همانا خداوند تبارک و تعالی سنت او را در آن قائم داشت؛ از فرزندانم، جاری خواهد ساخت؛ پس او را به شرق و غرب زمین می‌رساند تا جایی که هیچ فراز و فرودی در کوه و صحرا که ذوالقرنین در آن قدم نهاده بود نماند، مگر اینکه او هم در آن قدم نهد؛ و خداوند عز و جل گنج‌های زمین و معادن آن را برای او آشکار سازد و او را با رُعب [= هراسی که از او در دل دشمن می‌افتد] یاری رساند؛ پس زمین را از عدل و قسط پر کند همان طور که از جور و ستم پر شده بود.

لذا مسئله غیبت در مورد ذوالقرنین که از رهبران آسمانی است اتفاق افتاده و مسئله نوظهوری نیست که تنها در اسلام اتفاق افتاده باشد. غیبت ذوالقرنین آنقدر طول کشید که مردم در زنده بودنش تردید کردند.

از کسان دیگری که دارای غیبت بوده اند، ادريس پیامبر است که از امتش غایب شد و طول غیبت ایشان ۲۰ سال طول کشید.

در مورد جناب صالح هم همینطور بود. جناب صالح پس از معجزه ناقه الله، غایب شدند. حضرت صادق می فرماید: «إِنَّ صَالِحًا - عَلَيْهِ السَّلَام - غَابَ عَنْ قَوْمِهِ زَمَانًا. وَ كَانَ يَوْمَ غَابَ عَنْهُمْ كَهَلًا، مَبْدَحُ الْبَطْنِ، حَسَنُ الْجِسْمِ، وَافِرُ اللَّحْيَةِ، خَمِصُ الْبَطْنِ، خَفِيفُ الْعَارِضِينَ، مُجْتَمِعَا رِبْعَةِ مِنَ الرِّجَالِ. فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ، لَمْ يَعْرِفُوهُ بِصُورَتِهِ»؛ یعنی همانا صالح (ع) مدتی از قومش غایب شد. او هنگام غیبت در کهنسالی بود... و وقتی که به قومش بازگشت کسی او را به چهره نمی شناخت.

از حضرت شعیب هم چنین نقلی دارد. «وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قِيلَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَدِّثْنَا قَالَ إِنَّ شُعَيْبَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ حَتَّى كَبِرَ سِنُهُ وَ دَقَّ عَظْمُهُ ثُمَّ غَابَ عَنْهُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِمْ شَابًا قَدَعَاهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالُوا مَا صَدَقْتَكَ شَيْخًا كَيْفَ تُصَدِّقُكَ شَابًا».

یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده&zwjz;اند: شعیب آنقدر قومش را به خداپرستی دعوت نمود تا اینکه پیرو سالخورده شد ولی کسی به او اعتنا نکرد، پس از چندی او به اذن الهی به شکل جوانی خوش سیما درآمد و به سوی قومش بازگشت ولی مردم به او گفتند: آن هنگام که پیر بودی و ما را پند می&zwjz;دادی تو را پاسخ نمی&zwjz;گفتیم اینک که جوان شده&zwjz;ای چگونه به سخت گوش فرا دهیم.

یکی دیگر از پیامبرانی که از امتشان غیبت کردند جناب الیاس است که ۷ سال طول کشید. غیبت دانیال پیامبر هم ۹۰ سال طول کشید. فرق حضرت دانیال با دیگر پیامبران این است که ایشان ۹۰ سال در دست بخت النصر، ظالم و طاغوت آن زمان اسیر بود و از امت دور بود.

یکی دیگر از کسانی که غیبت کرده، حضرت عیسی است. حضرت عیسی اکنون حدود ۲۰۱۷ سال عمر دارد. غیبت حضرت عیسی از امت نصاری از غیبت امام زمان تاکنون بیشتر است.

غیبت حضرت نوح هم همینطور است. از زمان بعثت پیامبر تا زمان امام عسکری، ۲۷۳ سال دائماً ائمه در مورد غیبت امام عصر صحبت می کنند. یکی از پیامبرانی که به امتش می گوید که این غیبت وجود دارد جناب نوح است. غیبت خلیفه بعد از نوح از این جهت با دیگران متفاوت است که این پیامبر الهی، اشاره به غیبت خلیفه بعد از خود دارد کمااینکه ائمه ما هم اشاره داشته اند که خلیفه دوازدهم غائب است. جز معدود معارف اسلامی است که همه معصومین در مورد آن روایت دارند.

قال الصادق جعفر بن محمد علیهما السلام: «لما حضرت نوحا علیه السلام الوفاة دعا الشيعة فقال لهم: اعلموا أنه ستكون من بعدی غيبة تظهر فيها الطواغيت، و أن الله عزوجل يفرج عنكم بالقائم من ولدی، اسمه هود، له سمت وسکينة ووقار، يشبهني في خلقی وخلقی، وسيهلك الله أعداءكم عند ظهوره بالريح، فلم يزالوا يترقبون هودا عليه السلام و ينتظرون ظهوره حتى طال عليهم الآمد و قست قلوب أكثرهم، فأظهر الله تعالى ذكره هودا نبيه هودا عليه السلام عند اليأس منهم و تناهى البلاء بهم و اهلك الاعداء بالريح العقيم التي و صفها الله تعالى ذكره»

یعنی امام صادق(ع) در حدیثی می&zwjz;فرمایند: روزی حضرت نوح(ع) امتشان را جمع کردند و خطاب به آنان فرمودند: بدانید که پس از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوتها ظاهر خواهند شد و خدای عزوجل به وجود قائمی از فرزندان من - به نام هود - فرج شما را می&zwjz;رساند ... او در شمال و اخلاق شبیه من است ... پس آنها پیوسته چشم به راه هود و منتظر ظهورش بودند تا آن که مدت (این غیبت و انتظار) به درازا کشید و دلای بیشتر ایشان سخت [و سنگ] شد، در این هنگام خدای متعال پیامبرش هود را ظاهر کرد، در حالی که آنها - از فرج - ناامید و در نهایت گرفتاری بودند.

از زمان نوح تا هود ۴۶۰ سال در روایات ما ذکر می کنند. غیبت جناب هود از این جهت قابل ذکر بود که توصیه ای بود.

پیامبر دیگری که غیبت ایشان رخ داده است در داستان یوسف است.

بحثی که داریم این است که غیبت امام عصر به چه شکل است؟ آیا امام در دوران غیبت ناپیداست؟ مثل جن و ملک و روح است که وجود دارد ولی کسی آنها را نمی بیند؟ یا اینکه غیبت امام عصر به شکل ناشناس است، بین ما زندگی می کند اما کسی او را نمی شناسد؟

هم سوال اولی و هم سوال دومی دلیل دارد ولی دومی دلایل موثق تری دارد و اولی را ما قبول نمی کنیم.

حضرت یوسف یکی از پیامبران شاخص بنی اسرائیل است. اما او از کنعان تا مصر آنطور که محاسبه شده ۱۸ روز از امتش دور است. برادران یوسف از کنعان به مصر می آیند، در حالی که یوسف را دیده اند ولی او را نمی شناسند.

امام صادق فرمودند: «إن فی صاحب هذا الامر لشبها من يوسف، فقلت: فكأنك تخبرنا بغيبه أو حيرة، فقال: ما ينكر هذا الخلق الملعون اشباه الخنازير من ذلك؟ إن إخوه يوسف كانوا عقلاء الباء اسباطا أولاد انبياء دخلوا عليه فكلموه وخاطبوه وتاجروه وراودوه وكانوا إخوته و هو أخوهم لم يعرفوه حتى عرفهم نفسه، وقال لهم: أنا يوسف.»

یعنی در صاحب این امر شباهتی از یوسف است، گفتم: گویا که شما از غیبت یا حیرتی بما خبر می دهید، فرمود: چرا این مردم لعنت شده همچون خوک این مسئله(غیبت) را انکار می کنند؟ برادران یوسف با آنکه افرادی عاقل و با فهم و فرزندان انبیا بودند، بر یوسف وارد شدند، با او سخن گفتند او را مخاطب قرار دادند، با او داد و ستد کردند و رفت و آمد

نمودند در حالی که آنان برادران یوسف بودند اما درعین حال او را نشناختند، تا وقتی که یوسف خودش را به آنها معرفی کرد و گفت من یوسف هستم.

لذا می شود که وجود نازنین امام عصر در میان ما زندگی بکند اما ناشناس باشد نه ناپیدا.

بنابراین ما جهاتی را از غیبت انبیا بیان کردیم به این معنا که بگوییم، غیبت یک پدیده جدید نیست و در امت های گذشته بوده است.

پیامبران گذشته در مورد موسی، ۴۰۰ سال بشارت می دادند. موسی در دوران جوانی یک جمله به مردم گفت *«أرجو أن يعجل الله فرجكم، ثم غاب بعد ذلك»*; یعنی امید دارم که خدا در گشایش کار شما تعجیل کند، بعد غیبت کرد.

لذا ۴۰۰ سال منتظر او بودند. یک رسالت مخفیانه بعد از ولادتش پیدا کرد و آنگاه که در جوانی مردم او را دیدند یک جمله گفت و غیبت کرد.

لذا این شکل از غیبت وجود دارد. حالا ما می خواهیم بخشی از روایاتی را بیان کنیم که دو چیز را بیان می کنند، اولاً اینکه غیبت امام زمان اتفاق می افتد و دوم تاکید بر غیبت است. در این تاکید بر غیبت که به دو مقطع غیبت صغری و کبری تقسیم می شود، مختصات و ویژگی های هر یک را بحث خواهیم کرد.